

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۸
دوره چهارم، سال شانزدهم، شماره ۱
ص ص: ۶۶-۵۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۱۸
تاریخ بررسی مقاله: ۸۷/۸/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۷

بررسی اثربخشی آموزش راه حل - محور به شیوهی گروهی بر سازگاری زناشویی زوجین

دکتر یوسفعلی عطاری*

کبری محمدی**

دکتر مهناز مهربابی زاده هنرمند***

چکیده

در این پژوهش اثربخشی آموزش راه حل - محور به شیوهی گروهی بر افزایش سازگاری زناشویی زوجین مراجعه کننده به شورای حل اختلاف شهر اهواز، مورد بررسی قرار گرفت. جامعهی آماری کلیهی زوجین مراجعه کننده به شورای حل اختلاف در سال ۱۳۸۶ می باشد. نمونه شامل ۳۰ زوج بود که به روش نمونه گیری تصادفی از میان ۴۳ زوج داوطلب دریافت خدمات مشاوره ای انتخاب شده و در دو گروه آزمایشی و گواه گمارده شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر می باشد. طرح پژوهش از نوع طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه است که پس از انتخاب تصادفی گروه های آزمایشی و گواه، مداخله ای آزمایشی (آموزش راه حل - محور) بر روی گروه آزمایشی به مدت هفت جلسه ی نود دقیقه ای و یک بار در هفته اجرا گردید و پس از اتمام برنامه ی آموزشی از هر دو گروه، پس آزمون به عمل آمد. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که روش آموزش راه حل - محور باعث افزایش سازگاری زناشویی زوجین گروه آزمایشی در مقایسه با گروه گواه شده است.

کلید واژگان: مشاوره ی راه حل - محور، سازگاری زناشویی

* استاد بازنشسته، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران

yaattari@yahoo.com

mohammadi_ko@yahoo.com

** کارشناس ارشد مشاوره خانواده،

*** استاد گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران

m_mehrabizadeh@yahoo.com

مقدمه

شاید به جرأت بتوان گفت که سه موضوع تحصیل، شغل و ازدواج پایه‌های اصلی زندگی اجتماعی هر فرد به حساب می‌آیند و بر اساس کارآیی که فرد از خود بروز می‌دهد، می‌توان موفقیت و پیشرفت او را در این سه زمینه از قبل پیش‌بینی کرد. هر چند قبل از پیمان زناشویی، میزان تحصیل و موفقیت اجتماعی، معیارهای مهمی در انتخاب همسر به شمار می‌آیند، لیکن در این میان ازدواج بخش مهمی از زندگی است که بر نتایج تحصیل و شغل تأثیر مستقیم می‌گذارد. ازدواج نافرجام سوابق تحصیلی و شغلی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، چنان‌چه ازدواجی با موفقیت به انجام نرسد و زن و شوهر نتوانند به تفاهم کافی برسند، می‌تواند به آشفتگی روانی و اختلال شخصیت منجر گردد (تایبر^۱، ۱۹۹۰، ترجمه‌ی تمدن، ۱۳۷۷).

ازدواج یکی از حوادث مهمی است که در زندگی هر انسانی رخ می‌دهد، همان‌گونه که می‌دانیم برخی از ازدواج‌ها مشوق رشد و شکوفایی زوجین است، حال آن‌که برخی دیگر از ازدواج‌ها می‌توانند برای همسران مصیبت‌هایی را فراهم کنند. واقعاً چرا بعضی از زوج‌ها با تفاهم و سازگاری زندگی را می‌گذرانند، در حالی که گروهی از همسران در حل و فصل ساده‌ترین مسائل زندگی نیز با دشواری و سردرگمی مواجه هستند؟ اغلب زن و شوهرها در برخورد با اشخاص ثالث مشکلی ندارند. اما به ندرت می‌توانند با درک لازم، روابط صمیمانه خود را شکوفا سازند. غالباً زوجین از دانش لازم برای اتخاذ تصمیماتی که تقاضای همسرانشان را برآورده سازد، بی‌بهره‌اند، به این جهت وقتی مشکلات نمایان می‌شوند ناسازگاری بالا می‌گیرد، زن و شوهر جنبه‌های مثبت یکدیگر را از یاد می‌برند و به تدریج کار به جایی می‌رسد که اصل زندگی مشترک زیر سؤال می‌رود و گرفتاری اصلی شروع می‌شود (بک^۲، ۱۹۹۱).

متخصصان بهداشت روانی همه روزه با مشکلات متنوعی سر و کار دارند، که در مقوله‌ی اختلالات عمده‌ی روان‌پزشکی قرار نمی‌گیرد. در بین این مسایل مراجعانی که در زمینه‌ی مشکلات خانوادگی می‌باشند میزان قابل توجهی را تشکیل می‌دهند (درایدن^۳، ۱۹۸۴).

-
- 1- Tayber
 - 2- Beck
 - 3- Dryden

مشاوره‌ی راه حل - محور دیدگاهی است که توسط دیشیزر^۱ (۱۹۸۵) طراحی شده است. دیشیزر (۱۹۸۵) معتقد است که یکی از روش‌های مؤثر در خصوص آموزش حل مشکلات زناشویی استفاده از روش راه حل - محور است. رویکرد راه حل - محور به دلیل این که دیدگاهی خوش بینانه و امید بخش نسبت به مشکلات زندگی دارد، می‌تواند کمک‌های مفیدی را به زوجین ارائه دهد. فلسفه‌ی زیربنایی این نظریه آن است که تغییر امری مداوم و اجتناب‌ناپذیر است. در این دیدگاه به جای این که بر مسائل تأکید شود بر چیزهای ممکن قابل تغییر تکیه دارد.

کورنیوس، تارا، اسی و گالان^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی، آموزش خانواده به روش‌های کوتاه مدت را روی بهبود رضایت زناشویی و افزایش سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند زوجینی که تحت تأثیر آموزش‌های خانواده قرار گرفته بودند افزایش معنی‌داری در سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی نشان دادند.

وهیلر^۳ (۲۰۰۱) اثر خانواده درمانی راه حل - محور را بر روی مشکلات رفتاری کودکان و نوجوان مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش همه‌ی کودکان با معیارهای DSM-IV، تشخیص پرخاشگری و خشونت را بر پایه‌ی گزارش والدین دریافت کردند. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از این فرضیه که کودکان و نوجوانان دارای پرخاشگری و خشونت می‌توانند از خانواده درمانی راه حل - محور سود ببرند حمایت می‌کند. به علاوه، شواهد حاصل از گزارشات روزانه‌ی والدین از رفتار مشکل‌زا و گزارش شفاهی مراجعان، معلمان و درمان‌گران همگی بیان‌گر این نکته بود که این افراد از آموزش راه حل - محور سود برده‌اند.

راسل^۴ (۲۰۰۶) اثربخشی آموزش راه حل - محور را بر روی سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار داده است. در این بررسی از مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر^۵ (۱۹۷۶) استفاده شده است. تحلیل‌های آماری بر روی داده‌ها نشان داد که این نوع آموزش هر چهار مؤلفه‌ی مقیاس، یعنی رضایت زناشویی، همبستگی، توافق و ابراز محبت را به طور معنی‌داری افزایش می‌دهد.

-
- 1- De Shazer
 - 2- Cornelius, Tara, Alessi, & Galen
 - 3- Wheeler
 - 4- Russell
 - 5- Spanier Dyadic Adjustment Scale

أدیل، باتلر و دیلمن^۱ (۲۰۰۵) اثربخشی آموزش راه حل - محور را روی همبستگی زوجین و رابطه‌ی زناشویی مورد بررسی قرار دادند، در این بررسی هشت زوج که دچار صدمات و درگیری‌های زیاد با همدیگر بودند انتخاب شدند و بعد از آموزش راه حل - محور درگیری کمتری را در روابط خود بیان کردند. جانسون و لی باو^۲ (۲۰۰۰) زوج‌هایی را به منظور بالا بردن رضایت از ارتباط و ارتقاء کیفیت روابط و شیوه‌های حل مسأله انتخاب کردند و در معرض آموزش راه - حل محور قرار دادند. نتایج نشان داد که آموزش باعث بهبود روابط زوجین می‌شود.

نلسون^۳ (۲۰۰۱) نیز اثر بخشی آموزش به شیوه‌ی گروهی راه حل محور را در کاهش تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار داد و افزایش معنی داری را در رضایت زناشویی نمونه‌ی مورد مطالعه گزارش کرده است.

با توجه به هدف پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفتند:

- ۱- آموزش راه حل - محور به شیوه‌ی گروهی باعث افزایش سازگاری زوجین مراجعه کننده به شورای حل اختلاف شهر اهواز می‌شود.
- ۲- آموزش راه حل - محور به شیوه‌ی گروهی باعث افزایش مؤلفه‌های سازگاری زناشویی (رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت) زوجین مراجعه کننده به شورای حل اختلاف شهر اهواز می‌شود.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی زوج‌هایی می‌باشد که به دلیل تعارضات و درگیری‌های شدید خانوادگی برای حل مشکلات خود به شورای حل اختلاف دادگستری شهر اهواز در تابستان ۱۳۸۶ مراجعه نموده بودند، این زوجین افرادی بودند که دست کم یک سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت و داوطلب دریافت خدمات مشاوره‌ای بودند. نمونه‌ی آماری

1- Odell, Butler, & Dielman

2- Johnson & Lebow

3- Nelson

پژوهش شامل ۳۰ زوج بود که به صورت تصادفی از میان ۴۳ زوج انتخاب شدند. افراد داوطلب به طور تصادفی در ۲ گروه (۱۵ زوج) تقسیم شدند و هر گروه به طور تصادفی در گروه آزمایش و گروه کنترل قرار داده شد و بر روی گروه آزمایش مداخله‌ی آزمایشی (آموزش راه حل - محور) صورت گرفت و به گروه کنترل هیچ نوع خدمات و آموزشی ارائه نشد. در پایان مداخلات آزمایشی و گرفتن پس آزمون از هر دو گروه، برای گروه کنترل چندین جلسه‌ی آموزشی نیز ترتیب داده شد. در ضمن، بقیه‌ی افراد جامعه (۱۳ زوج باقی مانده) در لیست انتظار قرار داده شدند که در فرصت مناسب برای آنان نیز جلسه‌هایی برگزار شود.

ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس سازگاری زن و شوهر اسپانیر می‌باشد (ثنایی، ۱۳۷۹). این مقیاس توسط اسپانیر (۱۹۷۶) به منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهر تنظیم شده است. این مقیاس در سال ۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین‌نژاد ترجمه، اجرا و در ایران هنجاریابی شده است و یک ابزار ۳۲ سوالی برای ارزیابی کیفیت رابطه‌ی زناشویی می‌باشد (حسین‌نژاد، ۱۳۷۴). مقیاس مزبور دارای چهار خرده مقیاس می‌باشد که بدین قرارند: رضایت زناشویی (۱۰ ماده)، همبستگی دو نفری (۵ ماده)، توافق دو نفری (۱۳ ماده) و ابراز محبت (۴ ماده). طیف نمره‌گذاری سؤال‌های این مقیاس مختلف می‌باشد (جدول شماره‌ی ۱) و نمره‌ی کل مجموع تمام سؤالات بین ۰ تا ۱۵۸ است. نمرات بالاتر نشان دهنده‌ی رابطه‌ی بهتر است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

جدول ۱. طیف نمره‌گذاری مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر

سؤال	طیف نمره‌گذاری	سؤال	طیف نمره‌گذاری
۱ تا ۱۵	۰ تا ۶	۲۹ و ۳۰	۰ تا ۱
۱۶ تا ۲۲	۱ تا ۶	۳۱	۰ تا ۶
۲۳ و ۲۴	۰ تا ۴	۳۲	۰ تا ۵
۲۵ تا ۲۸	۱ تا ۵		

اسپانییر (۱۹۸۶) پایایی این ابزار را در کل نمره‌های ۰/۹۶ برآورد کرده است، نمره‌ی کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دو نفری برابر با ۰/۹۴، همبستگی دو نفری برابر با ۰/۸۱، توافق دو نفری برابر با ۰/۹۰ و ابراز محبت برابر با ۰/۷۳ (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

این مقیاس توسط حسین‌نژاد (۱۳۷۴) با روش بازآزمایی و با فاصله‌ی زمانی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوجین (۶۰ زن و ۶۰ مرد) اجرا گردید. ضریب همبستگی بین نمره‌های زنان و شوهران طی دو بار اجرا در کل نمره‌های ۰/۸۶ و خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۱ و ۰/۶۱ به دست آمده است (حسین‌نژاد، ۱۳۷۴).

در پژوهش حاضر ضرایب پایایی به دست آمده این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن با استفاده از روش باز آزمایی و با فاصله‌ی زمانی یک ماه روی نمونه‌ای متشکل از ۳۰ زوج محاسبه گردید. نتایج حاکی از پایایی خوب (ضرایب از ۰/۷۳ برای رضایت زناشویی تا ۰/۸۵ برای سازگاری زناشویی و ابراز محبت) است.

اسپانییر (۱۹۸۶) برای محاسبه‌ی روایی این مقیاس ۲۱۸ نفر که با همسر خود زندگی می‌کردند را با ۹۴ نفر که طلاق گرفته بودند در این مقیاس مورد مقایسه قرار داد. در مقایسه‌ی میانگین نمره‌های دو گروه (۷۰/۷ گروه طلاق گرفته و ۱۱۴/۸ گروهی که با همسران خود زندگی می‌کردند) تفاوت معنی‌داری در کل مقیاس و در مقیاس‌های فرعی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ به دست آمد.

روایی این مقیاس در ایران ابتدا با روش‌های منطقی روایی محتوا چک شده است این مقیاس سازگاری زوجین را با قدرت تمیز دادن زوج‌های متأهل و مطلقه در هر سؤال، نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس همبستگی دارد (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

روش اداره جلسات زوج درمانی به شیوه‌ی روی کرد راه حل - محور

جلسه‌ی اول: معارفه، بیان خلاصه‌ای از شرایط مشاوره‌ی گروهی از قبیل: لزوم شرکت منظم در جلسات تعیین شده، پاسخ‌گویی به سؤالات و ابهامات مراجعان، بیان اصول کلی و

روش راه حل - محور. به علاوه به عنوان تکلیف به شرکت کنندگان توصیه شد تا اهداف خود از شرکت در جلسات مشاوره نوشته و در جلسه‌ی بعد همراه خود بیاورند.

جلسه‌ی دوم: رسیدگی به تکالیف جلسه‌ی قبل و کمک به زوجین جهت تدوین اهداف خود بر اساس رویکرد راه حل - محور به صورت مثبت، معین، ملموس و قابل اندازه‌گیری. جلسه‌ی سوم: هدف جلسه‌ی سوم این بود که افراد دریابند که یک ماجرا ممکن است توسط هر یک از افراد خانواده به صورت‌های مختلفی تعبیر گردد. ضمناً به آنان کمک شد تا به توانمندی‌های خود پی برده و بتوانند یکدیگر را در زمان‌های لازم تحسین نمایند. به عنوان تکلیف از زوجین درخواست شد که در طول هفته‌ی آتی از همه رفتارهای منفی همسر خود چشم‌پوشی نموده و کلیه رفتارهای مثبت وی را تحسین کرده و از وی قدردانی نمایند و گزارش تکلیف خود را در جلسه‌ی بعد همراه خود بیاورند.

جلسه‌ی چهارم: رسیدگی به تکالیف، در این جلسه هدف این بود که زوجین به وجود استثنای مثبت در زندگی و وجود همسر خود پی ببرند. به این طریق سطح امیدواری آنان بالا رفته و حوزه مشکلات خود را کاهش دهند. به عنوان تکلیف، مشاور از زوجین درخواست کرد که به دو سؤال مطرح شده در جلسه یعنی (۱- در لحظاتی که با هم رابطه‌ی خوبی داشتید چه چیز متفاوتی رخ می‌داد؟ ۲- در گذشته وقتی با همسرتان خوب بودید چه چیز متفاوتی انجام می‌دادید؟) فکر کنند و لحظات استثنایی مثبت در زندگی خود را تشخیص داده و در جلسه‌ی بعدی به مشاور گزارش دهند.

جلسه‌ی پنجم: رسیدگی به تکالیف جلسه‌ی قبل به علاوه از بین بردن الگوهای مخلف رفتاری با استفاده از پرسش معجزه آسا. به عنوان تکلیف از شرکت کنندگان درخواست شد درباره سؤال معجزه آسایی که در این جلسه مطرح شد، فکر کنند و پاسخ‌های خود را در جلسه‌ی بعدی به مشاور ارائه دهند.

جلسه‌ی ششم: رسیدگی به تکالیف جلسه‌ی قبل. هدف این جلسه آن بود که شرکت کنندگان به جای آن چه که الان انجام می‌دهند، راه و روش دیگری را برای طرز تفکر، احساس و عملکرد و رفتار خود در پیش گیرند و با به کار بردن واژه بسیار مهم «به‌جای»، احساسات جدیدی را تجربه نمایند. در پایان به مراجعان تکلیف می‌شد تا هر روز در ساعتی معین از یکدیگر گله و شکایت کنند، و برای تعیین اولویت، سکه‌ای را در هوا پرتاب نموده و شخص برنده به مدت ۱۰ دقیقه از همسر خود گله و شکایت کند و بعد از آن دیگری نیز به

مدت ۱۰ دقیقه به شکایت از همسر خود پردازد و نتیجه‌ی این عمل را در جلسه‌ی بعدی به مشاور ارائه دهند.

جلسه‌ی هفتم: مروری بر نتایج جلسه‌ی قبل و جمع‌بندی مطالب گذشته، نتیجه‌گیری و اجرای پس آزمون.

یافته‌های پژوهشی

جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به متغیر سازگاری زناشویی و خرده مقیاس‌های آن را نشان می‌دهد.

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در پیش آزمون میانگین (انحراف معیار) گروه آزمایش و کنترل در مقیاس سازگاری زناشویی به ترتیب برابر با ۳۹/۵۰ (۱/۷۲) و ۳۹/۲۷ (۱/۷۰) است. این شاخص‌های آماری در پس آزمون، برای گروه آزمایش و کنترل به ترتیب برابر با ۴۶/۴۶ (۲/۲۴) و ۴۱/۵۷ (۲/۲۴) می‌باشد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره‌های سازگاری زناشویی و خرده مقیاس‌های آن در گروه‌های آزمایشی و کنترل، در پیش آزمون و پس آزمون

متغیرها					شاخص آماری	گروه	مرحله
ابراز محبت	توافق	همبستگی	رضایت	سازگاری زناشویی (کل)			
۲/۸۷	۱۱/۶۳	۷/۰۳	۱۷/۹۷	۳۹/۵۰	میانگین	آزمایش	پیش آزمون
۰/۸۲	۱/۳۳	۱/۰۷	۰/۸۵	۱/۷۲	انحراف معیار		
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	تعداد		
۲/۸۳	۱۱/۸۰	۶/۹۷	۱۷/۶۷	۳۹/۲۷	میانگین	کنترل	
۰/۸۷	۱/۱۶	۰/۹۶	۰/۷۷	۱/۷۰	انحراف معیار		
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	تعداد		
۳/۸۷	۱۴/۳۷	۸/۲۰	۲۰/۰۳	۴۶/۴۶	میانگین	آزمایش	پس آزمون
۰/۸۶	۱/۳۰	۱/۰۶	۱/۰۹	۲/۲۴	انحراف معیار		
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	تعداد		
۳/۱۰	۱۲/۴۴	۷/۲۷	۱۸/۸۰	۴۱/۵۷	میانگین	کنترل	
۱/۰۹	۱/۴۸	۰/۹۸	۱/۲۴	۲/۲۴	انحراف معیار		
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	تعداد		

جدول ۳. نتایج تحلیل t تست گروه‌های مستقل بر روی تفاضل نمره‌های پیش آزمون- پس آزمون سازگاری زناشویی زوجین گروه‌های آزمایش و کنترل

شاخص آماری / متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
آزمایش	۶/۹۷	۱/۸۱	۲۸	۱۳/۲۳	<۰/۰۰۱
کنترل	۲/۳۰	۱/۲۴			

نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ی ۱ در جدول ۳ نشان داده شده است. همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین زوجین گروه‌های آزمایشی و گواه از لحاظ متغیر وابسته سازگاری زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد، بنابراین فرضیه‌ی ۱ تأیید می‌شود. برای بررسی فرضیه‌ی ۲ از تحلیل مانوا استفاده شد که نتایج حاصل در جدول ۴ و ۵ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری روی تفاضل نمره‌های پیش آزمون- پس آزمون مؤلفه‌های سازگاری زناشویی، در زوجین گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مقدار	df فرضیه	df خطا	F	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۰/۹۳	۴	۲۵	۸۸/۰۶	<۰/۰۰۱
لامبدای ویکلز	۰/۰۷	۴	۲۵	۸۸/۰۶	<۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۱۴/۱	۴	۲۵	۸۸/۰۶	<۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه‌ی روی	۱۴/۱	۴	۲۵	۸۸/۰۶	<۰/۰۰۱

همان طوری که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود سطوح معنی داری همه‌ی آزمون‌ها ($F=۸۸/۰۶$ و $p<۰/۰۰۱$)، بیانگر آن هستند که بین زوجین گروه‌های آزمایشی و کنترل حداقل از لحاظ یکی از مؤلفه‌های سازگاری زناشویی یعنی رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین، بر این اساس می‌توان بیان داشت که فرضیه‌ی ۲ پژوهش حاضر مورد تأیید قرار گرفت. جهت بررسی بر تفاوت معنی دار هر یک از متغیرهای

وابسته، به طور جداگانه چهار تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا انجام گرفته است که نتایج آن در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا روی تفاضل نمره‌های پیش آزمون- پس آزمون مؤلفه‌های سازگاری زناشویی زوجین گروه‌های آزمایشی و کنترل

متغیرها	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری (P)
رضایت	۲۶/۱۳	۱	۲۶/۱۳	۱۲/۰۶	۰/۰۰۲
همبستگی	۲۲/۵۳	۱	۲۲/۵۳	۴۸/۷۸	<۰/۰۰۱
توافق	۱۳۶/۵۳	۱	۱۳۶/۵۳	۱۴۶/۲۹	<۰/۰۰۱
ابراز محبت	۱۶/۰۳	۱	۱۶/۰۳	۲۰/۷۹	<۰/۰۰۱

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود بین زوجین گروه آزمایشی و گروه کنترل از لحاظ مؤلفه‌های سازگاری زناشویی یعنی، رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که روش مشاوره‌ای راه حل- محور می‌تواند باعث افزایش سازگاری زناشویی و مؤلفه‌های آن (رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت) در آزمودنی‌های گروه آزمایش شود. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش جانسون و لی باو (۲۰۰۰)، ایگز، والش و مارکوسکی^۱ (۱۹۹۷)، ماد^۲ (۲۰۰۰)، نلسون (۲۰۰۱) و ترینتافیلو^۳ (۱۹۹۷)، کورنیلوس و همکاران (۲۰۰۷)، راسل (۲۰۰۶)، ادیل و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد. ایگز و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی نشان دادند که مشاوره‌ی راه حل- محور باعث تغییر نگرش زوجین نسبت به موقعیت‌های دشوار می‌شود و در زوجین دید مثبت‌تری را نسبت به مسائل ایجاد

1- Eakes, Walsh, & Markowksi

2- Mudd

3- Triantafillou

می‌کند و توانمندی‌های آن‌ها را برای مقابله با مشکلات و دشواری‌ها بالا می‌برد. تریناتافیلو (۱۹۹۷) بر اساس تحقیقی دریافت که استفاده از تکنیک ستایش و تمجید در مشاوره‌ی راه حل - محور به زوجین در کاهش درگیری و افزایش ابراز محبت کمک می‌کند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پینست و واین^۱ (۱۹۹۵) که اثر زوج درمانی را در افزایش رضایت زناشویی بررسی کردند، مطابقت دارد. آن‌ها ۷۵٪ بهبودی را در زوجین گروه مورد مطالعه گزارش کرده‌اند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق زیمرمن، پرست و وتزل^۲ (۱۹۹۷) مطابقت دارد. آن‌ها دریافتند زوجین شرکت کننده در مشاوره‌ی راه حل - محور از همبستگی و همفکری زناشویی بیشتر، افزایش توافق و همچنین بیان عاطفی و چسبندگی زناشویی بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردارند، چون زوجینی که در مشاوره‌ی راه حل - محور شرکت کرده‌اند در زمینه‌ی استفاده از قابلیت‌ها و برجسته کردن استثنائات و بالا بردن توان خود در زمینه‌های مختلف از جمله ایجاد توافق خود نسبت به گروه کنترل پیشرفت داشته‌اند، در نتیجه سازگاری زناشویی آن‌ها بالا رفته است.

در خصوص تبیین این یافته می‌توان به زیر بنای روی کرد راه حل - محور اشاره کرد. بر اساس مبنای این روی کرد، راه حل‌ها متعدد و فراوانند و فقط باید آن‌ها را کشف کرد. خانواده درمانی راه حل محور دیدگاهی انعطاف - محور دارد که به جای تمرکز بر رفتارهای مشکل آفرین بر رشد و پرورش راه حل‌ها تمرکز دارد (دی جانگ و برگ^۳، ۱۹۹۸). قابلیت‌ها و راه حل‌ها با تمرکز بر تعاملات غیر مشکل‌زا تشخیص داده می‌شوند. در این دیدگاه به دلیل تمرکز بر موارد مثبت به جای تمرکز بر نقایص، مقاومت همسران از بین می‌رود و خانواده‌ها سعی می‌کنند مشکلات خود را حل کرده و درگیری‌های آن‌ها کمتر می‌شود. مهمترین ویژگی دیگر روی کرد راه حل - محور کمک به مراجعین برای یافتن استثناها است. درمان‌گران راه حل - محور بر معانی کلمات تأکید دارند. آن‌ها معتقدند درمان‌گر هنگام محاوره بین مراجع و درمان‌گر به جای تمرکز بر جستجوی خارجی حقیقت، آن را از چشم‌انداز متفاوتی نگاه می‌کند. درمان‌گران راه حل - محور به اعضای خانواده کمک می‌کنند تا راه حل‌های منطبق بر

1- Pinsot & Wynne

2- Zimmeman, Prest, & Wetzel

3- De Jong & berg

ادراکات خود را خلق کنند.

کوک بورن و توماس و کوک بورن^۱ (۱۹۹۷) در پژوهشی دریافتند چون در مشاوره‌ی راه حل-محور به آزمودنی‌ها کمک می‌شود تا از قابلیت‌های خود استفاده کنند و با استفاده از تأکید بر نقاط مثبت و قابلیت‌های یکدیگر، و به عبارت دیگر با تحسین یکدیگر ارتباطات عاطفی خود را بهبود بخشید و در نتیجه می‌توانند ارتباط بهتری با همدیگر برقرار کنند و ابراز محبت آن‌ها نسبت به یکدیگر بیشتر می‌شود. هم‌چنین، درباره تبیین این مطلب می‌توان اضافه کرد که در آموزش راه حل-محور به زوجین آموخته می‌شود تا آرزوها و امیدهای واحدی برای آینده‌ی خود ترسیم کنند که به تبع آن همبستگی زوجین بالا می‌رود. در مشاوره‌ی راه حل-محور چون تلاش می‌شود اعضای خانواده قابلیت‌های خانواده را بهتر و بیشتر از قبل درک کرده تا بتوانند بیشتر با آن همخوان شوند در نتیجه میزان صمیمیت و ارتباط بین زوجین بالا می‌رود، به علاوه، در این روش مشاوره‌ای چون مشاور سعی دارد از طریق پرسش‌های استثنایاب موارد استثنائی در مسائل زندگی را پیدا کند (مثلاً شامی که به دعوی خانوادگی کشانده شد)، مشکل را تخریب یا ساخت زدایی کرده و خانواده را ترغیب می‌کند تا مواقعی که خود قادر به مهار مشکل هستند را تعیین نمایند. نتیجه‌ی این راه حل باعث می‌شود، تصور غیر ممکن بودن بهبود رابطه‌ی بین زوجین از بین رود و آنان تلاش کنند دوباره مسائل را با کمک هم حل و فصل نمایند (دیشیزر، ۱۹۸۵).

روش مشاوره‌ای راه حل-محور یک روش قابلیت محور است که بنابر نتایج پژوهش‌ها، در موارد مختلفی کاربرد دارد، با توجه به این که اثربخشی این دیدگاه در پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار گرفته است، لذا پیشنهاد می‌شود مشاوران از این روش مشاوره‌ای بیشتر استفاده کنند.

پیشنهاد می‌شود کارایی مشاوره‌ی راه حل-محور در موقعیت‌های بالینی مختلف بیشتر مورد بررسی قرار گیرد و از نظریه‌های جدید مشاوره‌ای مثل مشاوره‌ی راه حل محور به جای نظریه‌های سنتی بیشتر استفاده شود.

پژوهش حاضر یک پژوهش شبه تجربی است. در پژوهش‌های شبه تجربی امکان کنترل

1- Cookburn, Thomas, & Cookburn

تمامی متغیرهای مداخله‌گر وجود ندارد و لذا ممکن است آزمودنی‌ها تحت تأثیر شرایطی که از کنترل پژوهشگر خارج است قرار گرفته باشند. از سوی دیگر ابزار به کار گرفته شده در پژوهش فقط پرسش‌نامه است و استفاده از یک ابزار ممکن است نتواند اطلاعات دقیقی جمع‌آوری کند، بنابراین لازم است تعمیم یافته‌های این پژوهش با احتیاط صورت گیرد.

منابع

فارسی

- تایبر، ادوارد (۱۹۹۰). *بچه‌های طلاق*. ترجمه توراندخت تمدن (۱۳۷۷). تهران: انتشارات واحدی.
- ثنائی‌ذاکر، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- حسین‌نژاد، محمود (۱۳۷۴). *بررسی میزان ناسازگاری والدین کودکان عقب مانده ذهنی*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دیباثیان، شهرزاد (۱۳۸۴). *میزان اثربخشی آموزشی آموزش راه حل - محور بر افزایش رضایت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمانیان، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *بررسی تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی و نارضایتی زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- مهدویان، فاطمه (۱۳۷۶). *بررسی تأثیر آموزش ارتباط بر رضایتمندی زناشویی و سلامت روانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی، دانشگاه تهران.
- نظری، علی‌محمد (۱۳۸۳). *بررسی و مقایسه تأثیر برنامه غنی‌سازی ارتباط و مشاوره راه حل محور بر رضایت زناشویی زوجین شاغل*. پایان‌نامه دکتری مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.

لاتین

- Beck, A. T. (1991). *Cognitive therapy of adjustment*. New York: Haworth Press.
- Cookburn, J. T., Thomas, F. N., & Cookburn, O. J. (1997). Solution – focused therapy and psychotherapy adjustment to orthopaedic rehabilitation in a work hardening program. *Journal of Occupational Rehabilitation*, 7 (2), 97-106.
- Cornelius, Tara, Alessi & Galen (2007). *Behavioral and Physiological of Communication Training*. 69 (2), 608-620.
- De Jong, P., & berg, I. K. (1998). *Interviewing for solution*. Pacific Grove, Ca: Brooks/Cole.

- De Shazer, S. (1985). *Keys to solution in brief therapy*. New York: Norton.
- De Shazer, S. (1991). *Putting difference to work*. New York: Norton.
- De Shazer, S. (1994). *Words use originally magic*. New York: Norton.
- Dryden, W. (1984). *Rational emotive therapy fundamentals and innovations*. London: Croomhelm.
- Eakes, G., Walsh, S., Markowski, M., Cain, H., & Watson, M. (1997). Family centered brief solution – focused therapy with chronic schizophrenia: A pilot study. *Journal of Family Therapy*, 19, 145-148.
- Johnson, S., & Lebow, J. (2000). The "coming of age" of couple therapy: A decade of review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 23- 38.
- Lipchik, E. (1994). *The rush to be brief*. *Family therapy networker*, 34-39.
- Odell, M., Butler, T. J., & Dielman, M. B. (2005). An exploratory study of clients' experiences of therapeutic alliance and outcome in solution-focused marital therapy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4 (1), 1-20,
- Mudd, J. (2000). *Solution focused therapy and communication skills train and integrated approach to couples*. Faculty of Virginia Polytechnic and State University.
- Nelson, T. (2001). Solution focused couple group. *Journal of Systemic Therapies*, 5, 4-20.
- Olson, D. H. Olson, A. K. (1997). Enrich Canada. *Journal of Family Ministry*, 11 (4), 28-53
- Pinsot, W., & Wynne, L. (1995). The effectiveness of marital and family therapy [Special issue]. *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 321-331.
- Russell, M. (2006). *Equine Facilitated Couples Therapy and Solution Focused Couples Therapy: A Comparison Study*. Prescott, Arizona
- Spanier, G. (1986). Measuring a dyadic adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 29 (5), 35 -42.
- Spanier, G. (1976). Measuring a dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 1, 15-26.

-
- Wheeler, J. (2001). A Helping Hand: Solution-Focused Brief Therapy and Child and Adolescent Mental Health. *Journal of Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 6 (2), 293–306.
- Zimmeman, T. S., Prest, L. A., & Wetzel, B. E. (1997). Solution – focused parenting groups: An empirical study. *Journal of Systemic Therapies*, 19, 125-144.
- Triantafillou, N. (1997). A solution-focused approach to mental health supervision. *Journal of Systemic Therapies*, 16 (4), 305-328.